

فهرست

۷ کلیات
۸ستایش
۱۱درس یکم: مبانی علوم و فنون ادبی
۱۷درس دوم: بررسی و طبقه‌بندی آثار
۲۵درس سوم: کالبدشکافی متن ۱ (شعر)
۳۳درس چهارم: کالبدشکافی متن ۲ (نشر)
۳۹کارگاه تحلیل فصل
۴۵ تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی
۴۶درس پنجم: زبان و ادبیات پیش از اسلام
۴۹درس ششم: شکل‌گیری و گسترش زبان و ادبیات فارسی
۵۵درس هفتم: سبک و سبک‌شناسی دوره اول (سبک خراسانی)
۶۶درس هشتم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم
۷۳درس نهم: سبک و سبک‌شناسی دوره دوم (سبک عراقی)
۸۰کارگاه تحلیل فصل
۸۵ موسیقی شعر
۸۶درس دهم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی
۹۱درس یازدهم: هماهنگی پاره‌های کلام
۹۶درس دوازدهم: قافیه
۱۰۳درس سیزدهم: وزن شعر فارسی
۱۱۳کارگاه تحلیل فصل
۱۱۸ زیبایی‌شناسی (بدیع لفظی)
۱۱۹درس چهاردهم: واج‌آرایی، واژه‌آرایی
۱۲۴درس پانزدهم: سجع و انواع آن
۱۲۹درس شانزدهم: موازنہ و ترصیح
۱۳۵درس هفدهم: جناس و انواع آن
۱۴۶کارگاه تحلیل فصل
۱۵۱نیايش: به اميد تو
۱۵۴ پاسخ‌های تشریحی
۱۹۹پاسخ‌نامه کلیدی



ستایش

معرفی شعر

موضوع شعر، به طور کلی «ستایش خداوند» است. صاحب اثر، عطار نیشابوری، ذات مقدس خداوند را «گمشده» انسان معزوفی می‌کند؛ که نه تنها قابل دیدن، بلکه قابل درک و شناختن هم نیست؛ و شناخت ما از خداوند، در حقیقت، تنها گمانی در حد عقل محدود و خطاکار بشری است. عطار، با انتخاب هوشمندانه جمله «از که جویمت؟» به عنوان ردیف شعر، تلاش کرده اهمیت این «جُستن» و همین‌طور، سرگشتنگی انسان در بی‌بردن به حقیقت وجودی خداوند را به تصویر بکشد.

ای بی‌نشانِ محض، نشان از که جویمت؟

- ④ **بارگردانی:** ای [خدای] ناپیدای مطلق، نشانی تو از چه کسی بخواهم؟ / هر دو جهانِ [ادنیا و آخرت] در [ذات] تو پنهان است. تو را از چه کسی جست‌وجو کنم؟ (وقتی دو جهان و هر چه در آن است، خودشان گم‌گشته در ذات تواند، آن وقت چگونه تو را از آن‌ها جست‌وجو کنم؟!)
- ④ **مفهوم:** بی‌نشانی خداوند / حیرت و سرگشتنگی بندۀ در طلب پروردگار

نایافت یافت می‌نتوان، از که جویمت؟

- ④ **بارگردانی:** [در حقیقت] تو ناپیدا نیستی، [بلکه این] منم که در [شناخت] تو متحیرم! اما / پیداشدنی را نمی‌توان پیدا کرد. [حال] تو را از چه کسی جست‌وجو کنم؟!

④ **مفهوم:** آشکاربودن ذات خداوند در عین پنهانی از دید آفریده‌ها / حیرت و سرگشتنگی بندۀ در طلب پروردگار

پیدا بسی بجستمت، اما نیافتم

- ④ **بارگردانی:** بسیار تو را آشکارا جست‌وجو کردم و پیدا نکردم. / حال به من بگو که پنهانی تو را از چه کسی جست‌وجو کنم؟!
- ④ **مفهوم:** دست‌نیافتنی بودن ذات خداوند / حیرت و سرگشتنگی بندۀ در طلب پروردگار

چون در رهتِ یقین و گمانی همی‌رود

- ④ **بارگردانی:** در شرایطی که در راه [شناخت] تو همه دچار [حالتی بین] یقین و گمان هستند، / ای [خدای] که از یقین و گمان [انسان‌ها] برتری، تو را از چه کسی جست‌وجو کنم؟!
- ④ **مفهوم:** درک متفاوت پدیده‌ها از خداوند و عدم امکان شناخت حقیقی پروردگار / حیرت و سرگشتنگی بندۀ در طلب پروردگار

ای در درون پردهٔ جان، از که جویمت؟

- ④ **بارگردانی:** در پی یافتن تو، صبر و قرارم به پایان رسید. / ای [خدای] که در پوشیدگی جانِ [من] پنهانی، تو را از چه کسی جست‌وجو کنم؟!
- ④ **مفهوم:** بی‌قراری عاشق در طلبِ معشوق / آمیخته‌بودن خداوند با روان بندۀ جویای حق / حیرت و سرگشتنگی بندۀ در طلب پروردگار

عطّار اگرچه یافت به عینِ یقین تو را

- ④ **بارگردانی:** هرچند [من، که] عطار [باشم]، [در باطن و] با چشم حقیقت‌بین تو را یافته است (یافتمام)، / ای [خدای] که بسیار آشکاری، تو را با چشمی که بتواند آشکارا ببیند، از چه کسی جست‌وجو کنم؟!
- ④ **مفهوم:** ناپیدایی خداوند در عین آشکاربودن نشانه‌های وجود او / حیرت و سرگشتنگی بندۀ در طلب پروردگار



بررسی شعر

۱) بررسی زبانی

جا به جایی ضمیر «ت» و چسبیدن آن به فعل، در مصراع نخست از بیت یکم (نشان از که جویمت؟ نشانت را از که بجویم؟) / کاربرد کهن «نهای» (نیستی)، ولیک (اما)، یافت می‌توان (نمی‌توان یافت) / ساختار تاریخی دستور: همی‌رود / پرسش انکاری: در «ردیف» همه بیت‌ها، عبارت «از که جویمت؟» دارای پرسش انکاری است.

۲) چند آرایه ادبی بر جسته در شعر:

تضاد: بی‌نشانی و نشان / گم‌بودن و گمنبودن / پیدا و نهان / یقین و گمان
کنایه: دل از پرده افتادن کنایه از بی‌قراری // تشبیه: پرده جان (اصafe تشبیه) // جناس: عین، عیان

۳) اطلاعات وزنی:

قالب شعر: غزل / ردیف: از که جویمت؟ / واژه‌های قافیه: نشان، جهان، می‌توان، نهان، گمان، جان، عیان

۴) بررسی فکری

تفکر حاکم بر شعر، تفکر عرفانی با محوریت «جست‌وجو برای یافتن خداوند» است؛ جست‌وجویی که شاعر، از پیش به بی‌حابل بودن آن اقرار دارد. این جست‌وجو هرگز به یافتن خداوند منجر نمی‌شود، بلکه امکانی است برای رشد و پختگی و کمال عارف، نمونه‌هایی از مهم‌ترین مفاهیم مورد توجه در شعر: بی‌نشانی خداوند، حیرت و سرگشتگی بnde در طلب پروردگار، آشکاربودن ذات خداوند در عین پنهانی از دید آفریده‌ها، دست‌نیافتنی بودن ذات خداوند، درک متفاوت پدیده‌ها از خداوند و عدم امکان شناخت حقیقی پروردگار.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱- کدام گزینه به مفهوم «عجز انسان از شناخت خداوند» اشاره ندارد؟

- ۱) گر کسی شکرگزاری کند این نعمت را
- ۲) وصفت آن نیست که در وهم سخنران گنجد
- ۳) هر کسی خود آن چه بتوانست گفت
- ۴) چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود

۲- کدام گزینه با بیت «چون در رهت یقین و گمانی همی‌رود / ای برتر از یقین و گمان، از که جویمت؟» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) اگر خرد نبود، از دو بد نداند کس
- ۲) هر که به جان سیرت بد ترک کرد
- ۳) ذات پاک توکه بیرون بود از دانش و وهم
- ۴) دامن همت برافشان ای دل از کر و ریا

۳- کدام گزینه با بیت «پیدا بسی بجستمت اما نیافتم / اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

- ۱) جز وصف و ذکر تو نکنم زآن که خوش‌تر است
- ۲) عقل و وهم کی سنجید اوج کبریايش را؟
- ۳) عارفی کز هر دو عالم بگذرد
- ۴) روزی ت____ و بازگ_____ردد ز در

۴- همه گزینه‌ها با بیت زیر تناسب دارند، به جز

- تو گم نهای و گم شده تو منم ولیک
- ۱) جز معنی از آثار عبارت نتوان خواند
 - ۲) نه بر اوج ذاتش پردم رغ و هم
 - ۳) ذات پاک توکه بیرون بود از دانش و وهم
 - ۴) نه ادراک در گنّه ذاتش رسید

۱- در واقع، شاعر قصد پرسیدن ندارد، بلکه تأکید می‌کند که «نمی‌توانم تو را از کسی بجویم»؛ اما برای این‌که بتوانی معنی بیت‌ها را واژه به واژه مطابقت بدھی، «ردیف» به همان صورت «پرسشی» بازگردانی شده است.





۵- کدام یک از ایيات زیر با بیت «ای بی نشانِ محض، نشان از که جویمت؟ / گم گشت در تو هر دو جهان، از که جویمت؟» تناسب بیشتری دارد؟

چشم‌های حاضران بردوخته
خفت‌هاید از درک آن ای مردمان!
ای خوش آن کس که در ادراک او دارد شتاب
آن آشکار صنعت پنهان آرزوست

- (۱) چشم ادراک غیب آموخته
- (۲) رحمت بی حد روانه هر زمان
- (۳) عاقبت عالم فرو خواهد گرفت این نور پاک
- (۴) پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست

۶- مفهوم کدام گزینه با بیت «تو گم نهای و گمشده تو منم ولیک / نایافت یافت می‌نتوان، از که جویمت؟» یکسان نیست؟

که در برابر چشمی و غایب از نظری (لعت: زیارو)
حق اندر وی ز پیدایی سست پنهان
از همه عالم نهان و بر همه پیدا
همچنان در دل من مهر و وفا تو بود

- (۱) تو خود چه اُبته‌ای شهسوار شیرین‌کار!
- (۲) جهان جمله فروع نور حق دان
- (۳) از همگان بی‌نیاز و بر همه مشق
- (۴) به وفای تو که گر خشت زند از گل من

۷- کدام گزینه با بیت «پیدا بسی بجستمت اما نیافتم / اکنون مرا بگو که نهان از که جویمت؟» ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

طريق کسب کمالات خاص بنموده است
هزار معجزه رنگرنگ بنموده است
ز هر چه نسبت نقصان بود برآسوده است
طناب نوبتی حضرتش نپیموده است

- (۱) ز راه حکمت و رحمت عموم اشیا را
- (۲) به دست احمد مرسل به کافران قریش
- (۳) کمال لیمیزل و ذات لا یزالی اوی
- (۴) درازدستی ادراک و تیرگامی و هم

۸- مفهوم کدام گزینه با بیت «تو گم نهای و گمشده تو منم ولیک / نایافت یافت می‌نتوان، از که جویمت؟» نامتناسب است؟

فرمانده از گنجه ماهیتش
بصر منتهای جمالش نیافت
که داند جز او کردن از نیست، هست?
که پیدا نشد تخته‌ای بر کبار

- (۱) جهان متفاق بر الهی‌تش
- (۲) بشر معاورای جلالش نیافت
- (۳) به امرش وجود از عدم نقش بست
- (۴) در این ورطه کشته فروشد هزار

۹- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است؟

یکی را به خاک اندر آرد ز تخت
گلیم شقاوت یکی در برش
گروهی بر آتش برد ز آب نیل
برفتند بسیار و سرگشته‌اند

- (۱) یکی را به سر برنهاد تاج بخت
- (۲) کلاه سعادت یکی بر سر ش
- (۳) گلستان کند آتشی بر خلیل
- (۴) کسانی کز این راه برگشته‌اند

۱۰- پیام ایيات در کدام گزینه از مفهوم بیت «چون در رهت یقین و گمان از که جویمت؟» دورتر است؟

که جاهاسپر باید انداختن
که پیدا و پنهان به نزدش یکی است
کز او کس نبرده است کشته برون
بر اسرار ناگفته، لطفش خیر

- الف) نه هر جای مرکب توان تاختن
- ب) بر او علم یک ذره پوشیده نیست
- پ) بمقدم در این موج دریای خون
- ت) بر احوال نابوده، علمش بصیر

۴) پ و ت

۳) الف و ب

۲) ب و ت

۱) الف و ب



دستیکم مبانی علوم و فنون ادبی

لب مطلب

مسیر، مهربات، انتظارات

درس یکم با معرفی «متن» شروع می‌شود، «متن» به معنی فیلی گسترده‌اش، و نه صیرفاً یک «نوشته». این طوری که تگاه‌کنی، همه پیزهای اطراف ما و اصلاً همه بجهان هستی با هرچه در آن وجود دارد یا اتفاق می‌افتد، همه و همه، «متن» هستند، فتن من و تو هم، متینها و اتفاقات‌من‌های فوanolنی و خوبی هم هستینه! بعد، درس، متمدکن می‌شود روی همان «متن» به معنی مکتوبش؛ و بعد، هرف را می‌کشش به سمت «ادبیات»؛ و این که اصل‌په طور می‌شود که یک نوشته معمولی، عنوان «ادبیات» پیدا می‌کند و از این‌جا می‌رسد به ابزار و ادوات فوکسکل کردن متن‌اکه همان «فصاحت» و «بلاغت» باش. شرح و توضیش هم می‌ماند برای درس‌های بعد. انتظار داشته باش با فوanolن درس یکم، درباره «متن» و انواعش، همین‌طور، «ادبیات» و تفاوتش با «زبان»، و آنفر سر، فصاحت و بلاغت و اهمیتشان، اطلاع کلی پیدا کنی و کم کم برای تحلیل متن در درس‌های آینده آماده شوی.

متن

هر چیزی که ذهن ما را به پویایی (حرکت و تلاش) ودار می‌کند، «متن» است.

در این نگاه کلی و فراگیر، منظور از «متن» فقط نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست. هر صدایی که می‌شنویم، هر بویی که حس می‌کنیم، هر رویدادی که می‌بینیم، هر مزه‌ای که لمس می‌کنیم و هر چیزی که لمس می‌کنیم، همه و همه، «متن» به شمار می‌آیند؛ پس، متن‌ها می‌توانند شنیداری، بوبایی، دیداری و یا به گونه‌های دیگر باشند، مثل‌اکتاب، قبل از هر چیز، یک «متن دیداری» (موضوع دیدنی) است و وقتی خوانده می‌شود، به آن متن «شنیداری» (شنیدنی) یا «خوانداری» (خواندنی) می‌گوییم.

ادب و ادبیات

بیشینه‌واره‌های ادب و ادبیات

در زبان فارسی دو واژه «ادب» و «ادبیات» معمولاً هم‌معنی با یکدیگر به کار می‌روند.

اصطلاح «ادب» در گذر زمان

شناختن اموری که آدمی به وسیله آن، خوبش را از هر خطابی حفظ کند.

در نزد پیشینان

معنی اصطلاح ادب

دانش‌هایی که آدمیان بدان خود را از خطاب در سخن مصون می‌داشته‌اند،
مانند صرف و نحو، بدیع، معانی و بیان، قافیه، خط و

بعدها

ادیب

کسی که با شیوه‌های گوناگون سخن آشنا باشد.

ادبیات

واژه «ادبیات» در زبان فارسی از عصر مشروطه (۱۲۸۵ شمسی) کاربرد زیادی پیدا کرد و این کاربرد، رفتارهای افزایش یافت و حتی به حوزه‌های غیرادبی هم راه پیدا کرد، تا جایی که امروز «ادبیات» به معانی بسیار گسترده‌های به کار می‌رود:

نمونه: ادبیات پژوهشی، ادبیات مدیریت، ادبیات اخلاق،
ادبیات سینما و ادبیات سیاست

الف) مجموعه نوشته‌ها، اصطلاحات و رفتارهایی که در یک رشتۀ علمی یا حرفه‌ای رواج می‌یابد. (ادب و هنگار رایج در آن زمینه‌ها)

نمونه: متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پژوهشی و فلسفی گذشته

ب) همه آثار مکتوب و به طور کلی هر نوشته‌ای که به تاریخ تمدن پسری متعلق باشد.

نمونه: همه آثار ادبی مکتوب
اشکال این تعریف: فقط ادبیات مکتوب را در بر دارد و شامل ادبیات شفاهی، مانند افسانه‌ها، مثل‌ها، حکایات و ترانه‌ها نمی‌شود.

پ) نوشته‌هایی که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت‌ها بیان می‌کند.

معانی اصطلاح
ادبیات

منظور از «ادبیات» در کتاب درسی، معمولاً همان «ادبیات مکتوب» است، به معنی رایجی که می‌شناسیم.



تعابیر و بیان‌های مختلف در معنی «ادبیات»

- ④ ادبیات، **هر کلامی** است؛ کلامی زیبا که **خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار** است.
- ⑤ ادبیات، یکی از هنرهاست که **ماده اصلی آن زبان** است؛ در واقع، ادبیات، **کلبرد هنری زبان** است.
- ⑥ ادبیات، سخنی **اثرگذار و بلیغ و رساست** که در ذهن شنونده می‌نشینند و او را برمی‌انگیزد (به هیجان می‌آورد).

تفاوت زبان و ادبیات

ادبیات	زبان	هدف
زیبایی‌آفرینی	ارتباط و پیامرسانی	هدف
ادبیات به کمک تخیل، «منطق معنایی» زبان را در هم می‌ریزد؛ یعنی هم کلمه را از معنای قراردادی‌اش خارج می‌کند و هم منطق معنایی جمله را تغییر می‌دهد.	هر واژه معنای قراردادی و روشنی دارد. جمله‌ها ساختمان، اصول و قواعدی دارند.	ویژگی
پهنه‌گیری از شگردهای هنری (مانند تشییه، استعاره، مجاز، کنایه، درآمیختن حس‌ها و اغراق) و دادن نقش هنری به زبان پهنه‌گیری از تکرار موسیقایی آواها و عواطف و احساسات انسانی	عدم استفاده فراوان از عناصر موسیقایی و آرایه‌ها	شگرد

فصاحت و بлагت

خواندنی که ادبیات، «سخنی اثرگذار و بلیغ و رسا» است که «در ذهن شنونده می‌نشینند و او را برمی‌انگیزد»؛ این «سخن بلیغ و رسا»، دو ویژگی دارد: **فصاحت و بлагت**. فصاحت «سخن‌گفتن درست و زیبا» است و بлагت «بجا سخن گفتن» است، چنان که در ضربالمثل می‌گوییم: «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد». بیت زیر، منظور از «بلاغت» را به خوبی نشان می‌دهد:

چون که با کودک سر و کارت فتاد
بس زبان کودکی باید گشاد

④ **بازگردانی**: وقتی می‌خواهی با کودک رفتار کنی، لازم است با او کودکانه سخن بگویی.

بلاغت	فصاحت	دو ویژگی سخن بلیغ
در لغت: رسانی سخن، چیره‌زنی و شیوه‌سخنی در اصطلاح: سخن‌گفتن به اقتضای حال شنونده و جایگاه یا مطابقت سخن با موقعیت و شرایط؛ مثلاً گاهی اطمینان، پسندیده است و گاهی ایجاز. ویزگی: بلاغت، هم به فصاحت توجه دارد و هم به چگونگی معنا و محتوای کلام؛ یعنی علاوه بر ظاهر، به جنبه‌های معنوی و محتوایی کلام اهمیت می‌دهد. دسته‌بندی: دارای سه شاخه «بدیع، بیان، معانی»	در لغت: روشنی و درستی کلمه و کلام در اصطلاح: بیان مقصود با الفاظی روشن و روان که عیوب‌هایی مانند «حروف و کلمات دشوار و سنگین، بدآهنگ و ناموزون، پیچیده و مبهم» را نداشته باشد و معنی آن به سادگی فهمیده شود. ویزگی: فصاحت به چگونگی و کیفیت واژگان مربوط می‌شود؛ یعنی به جنبه‌های ظاهری و لفظ و سخن توجه می‌کند. دسته‌بندی: -	دو ویژگی سخن بلیغ

خلاصه کلام

فب، این از درس اول!

در برآر «مبانی علوم و فنون ادبی» فواندی.

دیدی که متن، فقط نوشته‌های دستی و پاپ که تا حالا تصویر می‌کردم نیست!

شیدی که زبان، هدفش یک پیز است و ادبیات، هدفش پیز دیگر.

دانستی که متن، فوب است سالم و ساده و واضح باشد؛ این می‌شد «فصاحت»!

فهمیدی که کلام، بعتر است با در نظر گرفتن شرایط گفته شود؛ و این می‌شد «بلاغت»!

یاد گرفتی که از یک نوشته عاری تا یک متن ادبیاتی فصیح و بلیغ په قدر راه هست!

همه این‌ها را فوردت تهیه کردی. مانده: «پرسیدن» و «حالاتدن». هر وقت همس کردی آمده‌ای، بیا برای تست!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای



۱۱- کدام گزینه معرفی دقیق‌تری از واژه «ادب» در زبان پیشینیان به دست می‌دهد؟

(۱) مجموعه رفتارهای اجتماعی که نشان‌دهنده تربیت خانوادگی هستند.

(۲) شناختن اموری که آدمی به وسیله آن، خود را از هر خطای حفظ می‌کند.

(۳) بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی در شعر و نثر، طوری که باعث زیبایی کلام شود و بر تأثیر سخن بیفزاید.

(۴) گونه‌ای سخن‌گفتن فاخر که تنها مناسب محافل رسمی و مجالس پادشاهان بوده است.

۱۲- کدام گزینه درباره «ادبیات» و «تعابیر مختلف آن، نادرست است؟

(۱) ادبیات مکتوب، شامل نوشته‌هایی است که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت‌ها بیان می‌کند.

(۲) فیلم‌نامه‌ها به شرطی که خیال‌انگیز و دارای آرایه‌های ادبی باشند، می‌توانند «ادبیات» نام بگیرند.

(۳) افسانه‌ها، مثال‌ها، حکایات، و ترانه‌های متدالوی، از نمونه‌های ادبیات شفاهی هستند.

(۴) متون علمی، تاریخی، جغرافیایی، پژوهشی و فلسفی گذشته، به تعابیری، مصادق آثار ادبی هستند.

۱۳- تفاوت اصلی «ادبیات» و «زبان» در چیست؟

(۱) در هدف است. هدف زبان، ارتباط و پیامرسانی، و هدف ادبیات، زیبایی‌آفرینی است.

(۲) در نوع به کارگیری واژه‌هایست. واژه‌هایی که در زبان مورد استفاده‌اند، هرگز در متن ادبی به کار گرفته نمی‌شوند.

(۳) در وزن شعری است. وزن در زبان، ساده و کوتاه، اما در ادبیات، بلند و گوش‌نواز است.

(۴) در استفاده از آرایه‌های ادبی است. در زبان، آرایه‌های لفظی و در ادبیات، آرایه‌های معنوی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۴- کلام دارای «فصاحت» باید از همه موارد نام بربرده در گزینه‌ها برکنار باشد، مگر

(۱) پیچیدگی و ابهام

(۲) بدآهنگی

(۳) نیوژ وزن عروضی

(۴)

حروف و کلمات دشوار

۱۵- ضرب المثل معروف «هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد» معزف کدام‌یک از اصطلاحات تخصصی علوم و فنون ادبی است؟

(۱) ادبیات شفاهی

(۲)

ادبیات مکتوب

(۳) فصاحت

(۴) بلاغت

۱۶- درباره اصول «بلاغت» کدام گزینه درست است؟

(۱) ایجاز و مختصرگویی همواره ناپسند است؛ زیرا سبب می‌شود مفهوم کلام به طور کامل فهمیده نشود.

(۲) اطناب و درازگویی همیشه نادرست است؛ زیرا طولانی‌شدن سخن، موجب زشتی کلام و آزردگی مخاطب می‌شود.

(۳) به طور کلی زیبا سخن گفتن، حتی بدون توجه به مخاطب و موقعیت، از اصول اولیه بلاغت است.

(۴) بلاغت به جنبه‌های معنوی و محتوایی کلام احقيقت می‌دهد.

۱۷- در کدام گزینه به یکی از شاخه‌های علم «بلاغت» اشاره نشده است؟

(۱) بدیع

(۲)

معانی

(۳) بیان

(۴) مفاهیم

۱۸- کدام گزینه اطلاعات درستی درباره «متن» و نمونه‌های آن ارائه می‌کند؟

(۱) منظور از «متن»، هر نوشته‌ای است که روی کاغذ و مانند آن مکتوب شده باشد.

(۲) تصویر دویدن کودکی به دنبال توب و زمین خوردن او یک «متن» است.

(۳) آثار شعر و نثر فارسی، همگی، «متن» به شمار می‌آیند، مگر این‌که به صورت شفاهی بیان شده باشند.

(۴) بوی عطر، به شرطی که خوشایند و لذت‌بخش باشد، «متن» محسوب می‌شود.

۱۹- هدف «زبان» و «ادبیات» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

(۱) پیامرسانی - ارتباط

(۲)

زیبایی‌آفرینی

(۳) پیامرسانی - زیبایی‌آفرینی

(۴) زیبایی‌آفرینی - ارتباط

۲۰- کدام مورد، از تفاوت‌های زبان و ادبیات نیست؟

(۱) زبان و ادبیات در هدف خود با هم متفاوت‌اند.

(۲) زبان و ادبیات در ماده اصلی خود تفاوت دارند و ماده اصلی در ادبیات، شbahet یا ارتباطی به زبان ندارد.

(۳) در زبان، جمله‌ها ساختمان، اصول و قواعدی دارند، اما در ادبیات، منطق معنایی زبان در هم می‌ریزد.

(۴) زبان به طور چشمگیر از شرگدهای هنری استفاده نمی‌کند، اما ادبیات از عناصر موسیقایی و آرایه‌ها بهره بسیار می‌برد.

۲۱- در همه گزینه‌ها نقش «زیبایی‌آفرینی» بر «پیامرسانی» غلبه دارد، به جز

(۱) شب آغاز شده است؛ در ده چراغ نیست.

(۲) شب‌ها به مهتاب روشن است و یا به قطرهای درشت و تابناک باران ستاره، مصابیح آسمان.

(۳) شکوه و تقوی و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید.

(۴) لطافت زیبای گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌پزمرد.

۲۲- کدام عبارت، نمونه مناسبی برای «ادبیات» به معنی امروزی آن نیست؟

(۱) زمستان آرام‌آرام از یاد رفت.

(۲) نسیم در گیسوی بید افسان فروپیچید.

۲۳- در کدام جمله «کارکرد هنری زبان» مورد توجه نبوده است؟

(۱) صحیح زلال، چون آب گوارای چشمدها از کرانه خاور برمی‌ترسد.

(۳) دیگر نشانه‌ای از شب نمانده است.

(۴) گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.

(۲) سپیده، پرتو انبوهش را به جان تیرگی نشانه می‌رود.

(۴) زاده می‌شود کودک صبح.



۲۴- بیت زیر کدام یک از موضوعات مطرح در گزینه‌ها را توصیف می‌کند؟

قدر سخن بجا چو بود بیش می‌شود

نازل شود بهای نگین چون پیاده شد

۴) متن

۳) ادبیات

۲) بلاغت

۱) فصاحت

۲۵- به ترتیب چند مورد از جملات زیر مصدق «زبان» و چند مورد، نمونه «ادبیات» هستند؟

الف) ادبیات هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است.

ب) گوینده، در فصاحت به جنبه‌های ظاهری لفظ و سخن می‌نگرد، و در بلاغت به جنبه‌های معنوی و محتوایی کلام اهمیت می‌دهد.

پ) دلم گرفته است. به ایوان می‌روم و انگشتانم را بر پوست کشیده شب می‌کشم. چراغ‌های رابطه تاریک‌اند.

ت) یکی از شب‌های مهتابی اوایل تابستان بود و هوا بسیار مساعد بود. از دو روز پیش تمام درخت‌های باغ را تا لنجه‌های بزرگ شسته بودند.

۴) سه - یک

۳) دو - دو

۲) یک - سه

۱) صفر - چهار

۲۶- کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی ندارد؟

چون که با کودک سر و کارت فتاد

۱) گر دلیلی گفت آن مرد وصال

۲) از خدا جوییم توفیق ادب

۳) بهر طفل نوید تی کند

۴) از پی تعلیم آن مستهدهن

هم، زبان کودکی باید گشاد

گفت به رفه هم اصحاب جمال

بی ادب محروم گشت از لطف رب

گرچه عقلش هندسه‌ی گیتی کند

از زبان خود بروان باید شدن

پیام بیت «چون که با کودک سر و کارت فتاد / هم، زبان کودکی باید گشاد» در کدام گزینه به چشم می‌خورد؟

چون که داری همراهان کاروان

همی رای شمشیر و تیر آیدش

تابیاموزد ز تسو او علم و فن

مهر بردار از ضمیر و قفل بگشا زبان

۲۷- در کدام گزینه به نام دو ویژگی «سخنی اثرگذار و رسماً در ذهن شنونده می‌نشینند و او را برمی‌انگیزد» اشاره شده است؟

بالد از مه رتو همی جانم

کز هنر بحر و از گهر کانم

در بلاغت فراخ میدانم (ناورده: جنگ)

در هج اباب رتن دبارانم (هجا: بدگویی)

۱) تا توانی اندرا این منزل ممان

۲) هنوز از دهن بوی شیر آیدش

۳) در زبان او بیان دامدن

۴) گفتم آخر چند ماند راز جورت سر به مهر؟

۲۸- در کدام گزینه به نام دو ویژگی «سخنی اثرگذار و رسماً در ذهن شنونده می‌نشینند و او را برمی‌انگیزد» اشاره شده است؟

بلل به غزل خوانی و قمری به ترانه

عاقل داند که آن پدر کودک نیست

قوت طبع از مستکلم مج وی

چونان که نام سعدی شیرین زبان ما

۱) هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید

۲) گر زان که پدر حدیث کودک گوید

۳) فهم سخن چون نکند مستمع

۴) نام تو جاودان بود ای شاعر بزرگ

۲۹- کدام گزینه درباره «سخن‌گفتن به اقتضای حال» سروده شده است؟

۱) هر چه نبود سخن یار دروغ است دروغ

۲) اگر گفتار خود سنجیده می‌خواهی تأمل کن

۳) گر آن شیرین سخن تلقین کند گفتار طوطی را

۴) از دست غیبت تو شکایت نمی‌کنم

۳۰- شاعر در کدام گزینه «بلاغت» را مورد ستایش قرار می‌دهد؟

جز حدیث لب دلدار دروغ است دروغ

که گوهر روزی غواص از پاس نفس باشد

سخن شگر شود در پسته منقار طوطی را

تاییست غیتی نبود لذت حضور

۱) تشنۀ لعل تو می‌پرسitan

۲) به چنین وقت و چنین فصل عزیز

۳) گر بگشایی نقاب، شمع فلک گو متاب

۴) چو زان دو نرگس می‌گون بیان کنم رمزی

۳۱- کدام گزینه از شگردهای هنری زبان کم‌تر بهره گرفته است؟

۱) مژه تیری و ابروان چو کمان

۲) چراغ از سور من پروانه گردد

۳) لب لعلم همان شگرفشان است

۴) گفت جرم چیست ای دانای راز؟

۳۲- نقش هنری زبان در کدام گزینه کم‌رنگ‌تر است؟

کشته جور تو مستمندان

کاهلی کردن و سستی نه رواست

ور بنوازی نوا، مرغ سحرگو مخوان

کسی که گوش کند مست گردد از سخنم

۱) تشنۀ لعل تو می‌پرسitan

۲) به چنین وقت و چنین فصل عزیز

۳) گر بگشایی نقاب، شمع فلک گو متاب

۴) چو زان دو نرگس می‌گون بیان کنم رمزی



۳۳- کدام گزینه نمی‌تواند نمونه و مصادق مناسبی برای عبارت زیر باشد؟

«ادبیات هنر کلامی است؛ کلامی زیبا که خیال‌انگیز، عاطفی و تأثیرگذار است.»

ز مهرم آستین پوشید مه ار دامن برافشانم
روی چ سو ماهه ش مع شبستان
چون که عذر آرد مسلمان می‌شود
آهو چه کند در نظر شیرشکاران؟

- (۱) چراغ روز بنشینید شب ار چون شمع برخیزم
- (۲) زلف سیاهت شام غریبان
- (۳) کافر پیر ار پشیمان می‌شود
- (۴) گر صید بتان شد دل من عیب مگیرید

۳۴- کاربرد هنری زبان در کدام گزینه ضعیفتر است؟

- (۱) من همان دم که وضو ساختم از چشمۀ عشق
- (۲) به نام خداوند جان و خرد
- (۳) می‌نماید عکس می در رنگ روی مهوشت
- (۴) ای نسیم سحری بسوی بهارم برسان

۳۵- کدام گزینه با بیت «با خرابات‌نشینان ز کرامات ملاف / هر سخن وقتی و هر نکته مکانی دارد» تناسب معنایی بیشتری دارد؟

چو گفتی، شود شاه تو آن زمان
بنگرتا به جای خویش بود
جز وصف زخت سخن نمی‌گوییم
که دل دارم به جای دیگر امروز

- (۱) سخن تانگویی تو شاهی بر آن
- (۲) سخنی گر به خلق می‌گویی
- (۳) از بهتر تو دارم این زبان آری
- (۴) سخن‌گویید با من کمتر امروز

۳۶- کدام گزینه از نظر مفهومی با عبارت زیر متناسب است؟

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افshan فروپیچید. غنچه شکفتن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

تلطفی بکن و عکس آن بهار بیار
هر شاخ و هر درخت از او تاجدار شد
زلف تو چون روزگار پرده‌داری می‌کند
کمان شد خدنگی که من داشتم

- (۱) بهار دیده من نیست جز که عکس رخش
- (۲) شاه بهار بست کمر را به معذرت
- (۳) روی تو چون نوبهار جلوه‌گری می‌کند
- (۴) خزان شد بهاری که من یافتمن

۳۷- کدام گزینه از نظر تصویری با عبارت زیر متناسب است؟

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افshan فروپیچید. غنچه شکفتن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

جلوه‌گلشن به باغ همچو نگاران رسید
بهار زنده‌دلان را خزان نمی‌باشد
در بهار و در خزان بر یک قرارم همچو سرو
ای بهار زندگی آخر تو شیدای که‌ای؟

- (۱) دی شد و بهمن گذشت فصل بهاران رسید
- (۲) به یک قرار بود آب، چون گهر گردد
- (۳) خاطر آزاده من فارغ است از انقلاب
- (۴) شمع و گل چون بلبل و پروانه شیدای توائد

۳۸- کدام گزینه با عبارت زیر متناسب دارد؟

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افshan فروپیچید. غنچه شکفتن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

با بولی تو مستغنى از انفاس بهاریم
که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد
آب گل برده‌ست و بادی در بهار اندخته
هر بهاری که به دناله خزانی دارد

- (۱) با روی تو فارغ ز گلستان بهشتیم
- (۲) تنور لاله چنان بروخت باد بهار
- (۳) هر که گوید گل به رخسار تو ماند یا بهار
- (۴) مرغ زیرک نزند در چمنش پرده‌سرای

۳۹- همه گزینه‌ها با عبارت زیر ارتباط معنایی دارد، به جز

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افshan فروپیچید. غنچه شکفتن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

ع شتری آس وده تر از روزگار
که سلطان بهار است و لشکر شکوفه
در بهار از بولی گل جویای بینایی شدند
از لاله بست دامن گهایمه‌ها ازار (ازار؛ شلوار)

- (۱) مجلسی افروخته چون نوبهار
- (۲) به یک هفت‌ه چون گل جهانگیر گردد
- (۳) باز بینابودگان همچو نرگس در خزان
- (۴) تا چرخ برگ‌شاد گریبان نوبهار



۴۰- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب تصویری ندارد؟

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افshan فروپیچید. غنچه شکftن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

(۱) آمد بهار و نوبت صحراء شد

(۲) بلبل فصیح گشت چو بوی بهار یافت

(۳) عرقت بر ورق روی نگارین به چه ماند؟

(۴) نوبهار آمد و هنگام طرب در گلزار

۴۱- تصویر در کدام گزینه با تصویر عبارت زیر نامتناسب است؟

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افshan فروپیچید. غنچه شکftن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

(۱) جدول آب نگر داغدل از برگ سمن

(۲) بهار آمد و گشت عالم گلستان

(۳) ای گل خوشبوی اگر صدق قرن بازاید بهار

(۴) شد فصل بهار و بلبل و گل

۴۲- همه گزینه‌ها با عبارت زیر تناسب تصویری دارد، بهز.....

«زمین به بهار نشست؛ بهار، گره از شکوفه باز کرد. نسیم در گیسوی بید افshan فروپیچید. غنچه شکftن آغاز کرد و سبزه دمید. گل همچون یادی فراموش گشته، در آغوش چمن شکفت.»

(۱) آن روی همچو روزش وان رنگ دل فیروزش

(۲) وقت آن است که مردم ره صحراء گیرند

(۳) روز بهار است خیز تا به تماشا رویم

(۴) سحرگاهان که از باد صبا بوی بهاران زد

۴۳- کدام گزینه با متن زیر تناسب معنایی دارد؟

«شکوه و تقوا و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکش برویم، از دستش داده‌ایم! لطافت زیبای گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌پژمرد!»

(۱) دل شود چون به علم بینند

(۲) ای که از دفتر عقل آیت عشق آموزی

(۳) مشتاقی و مهجوی دور از تو چنانم کرد

(۴) علم دین بام گلشن جان است

۴۴- کدام گزینه با متن زیر متناسب است؟

«شکوه و تقوا و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکش برویم از دستش داده‌ایم! لطافت زیبای گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌پژمرد!»

(۱) پرتو خورشید جز در خاک نشوان یافتن

(۲) آمد بهار و شد چمن و لاله‌زار خوش

(۳) خود راز هر چه هست شماری فزون و لیک

(۴) شد عمر گرامی همه در مدرسه‌ها صرف

۴۵- کدام گزینه با عبارت زیر تناسب معنایی بیشتری دارد؟

«شکوه و تقوا و شگفتی و زیبایی شورانگیز طلوع خورشید را باید از دور دید. اگر نزدیکش برویم از دستش داده‌ایم! لطافت زیبای گل در زیر انگشت‌های تشریح می‌پژمرد!»

(۱) هر چه افزون‌تر است ستر و حجاب

(۲) عقل پا در بند و یک‌چشم است و کوته‌بین و پیر

(۳) ملامت‌گوی عاشق را چه گوید مردم دانا؟

(۴) از رسوم شرع و حکمت با هزاران اختلاف

کارگاه تحلیل فصل

با پایان یافتن فصل یکم، وارد کارگاه تحلیل می‌شوی. «کارگاه» جایی است برای اجرا و پیاده کردن آموخته‌های فصل، روی نمونه‌های مختلف شعر و نثر. موضوع کارگاه تحلیل فصل یکم، بررسی مراحل تحلیل متن، از خوانش اولیه و کشف لحن، تا حرکت در قلمروهای مختلف زبانی، ادبی و فکری و در نهایت، نتیجه‌گیری و تعیین نوع ادبی اثر است.

نمونه‌های تحلیل متن در کارگاه فصل یکم

نمونه

در کتاب آمد که در عهد قدیم خانه‌ای می‌ساخت سقراط حکیم

④ بازگردانی: نویسنده‌اند که در زمان‌های گذشته / سقراط حکیم [داشت] خانه‌ای بنا می‌کرد.

آمدن داد از ره، رفیق و آشنا چون به پایان بُرد کار آن سرا

④ بازگردانی: وقتی کار ساخت خانه تمام شد / دوستان و آشنا یان سقراط نزد او آمدند.

جمله گفتند: این بنای مختصر نیست در خورِ تو، ای صاحب نظر

④ بازگردانی: همه به او گفتند: ای حکیم، [آخر] این خانه کوچک، شایسته تو نیست.

چون تو ای زیستن در این قفس؟ این قفس نبود مقام چون تو کس

④ بازگردانی: چگونه می‌توانی در این خانه‌ای که مانند قفس، کوچک است زندگی کنی؟ / چنین جای تنگی، جایگاه مناسبی برای شخص مهمی مانند تو نیست.

بهر مردی چون تو والا و حکیم بارگاهی باید و کاخی عظیم

④ بازگردانی: در خورِ انسان بلندمرتبه و دانشمندی مانند تو / تالار و کاخ بزرگی لازم است.

در شبستان تو چون آییم جمع همچو پروانه به گرد روی شمع؟

④ بازگردانی: [با وجود چنین خانه کوچکی] صحنه وجود ندارد که در آن - مانند پروانه‌هایی که در اطراف چهره نورانی شمع گرد می‌آیند - به دورت حلقه بزینم.

گفت در پاسخ: که ما را باک نیست عارفان را خانه‌آلخاک نیست

④ بازگردانی: [سقراط] پاسخ داد: [کوچکی خانه‌ام] اهمیتی ندارد / و خداشناسان منزی بهتر از خاک نمی‌خواهند.

خانه‌ای در خورد یاران ساختم چُرۀ خود گر بدین سان ساختم

④ بازگردانی: اگر خانه خود را این‌گونه [ساده و کوچک] ساخته‌ام / [در واقع] خانه‌ایست که [وسعتش را] به اندازه تعداد یاران [حقیقی] ام ساخته‌ام.

بیش از این گر یار یکدل داشتم بام خود تا عرش می‌افراشتم

④ بازگردانی: اگر [بیشتر از همین چند نفر] اندک دوستان صادق می‌داشتم / خانه‌ام را آن قدر بزرگ و مرتفع می‌ساختم که بامش به عرش برسد.

در حقیقت یار یکدل، کیمیاست چون صد، کمیاب و چون در، پُربهاست

④ بازگردانی: به راستی که دوست صادق، نایاب است / مانند صد، دور از دسترس و مانند مروارید، بسیار ارزشمند است.



موضع	شرح و توضیح
نوع لحن	لحن، داستانی و ساده است. تنها، بیت آخر باید با آهنگ اندرزگویی خوانده شود.
قلمرو زبانی	وازگان کهن یا خاص: کتاب (منبع معتبر) // سرا (خانه) // جمله (همه) // مختصر (ساده) // درخورد (شایسته و سزاوار) // چون (چگونه) // بهر (برای) // چون (وقتی) // همچو (مثل) // حجره (اتاق) // دُر (مروارید) // کاربرد تاریخی دستور: توانی زیستن (می‌توانی زندگی کنی) // ما را بک نیست (من نگرانی ای ندارم) // عارفان را خانه‌آخاک نیست (عارفان خانه‌ای جز خاک ندارند).
قلمرو ادبی	مراعات‌نظیر: رفیق و آشنا // والا و حکیم // بارگاه و کاخ // استعاره: قفس (استعاره از خانه) // تشبیه: کس چون تو // مردی چون تو // [ما] همچو پروانه // سقراط // به شمع // یار یکدل به کیمیا // [یار] چون صدف // [بار] چون دُر // جناس تام: چون (چگونه) و چون (مانند) (بیت ۴) // تشخیص: روی شمع // مجاز: خاک مجاز از نشیمنگاهی محقق // عرش مجاز از جایگاهی بلند و ارزشمند // کنایه: یکدل بودن (کنایه از همراهی و صداقت) // بام تا عرش افراشتن (کنایه از مقام و جایگاه والایی برای خود مهیا کردن)
قلمرو فکری	دیدگاه شاعر و پیام محوری حکایت، دعوت به ترک دلستگی‌های دنیوی و مهم‌تر از این، اهتمیت یکدلی و صداقت است.
نتیجه‌گیری و تعیین نوع	نوع ادبی اثر، غنایی - تعلیمی است. از یکسو، اهتمیت یکدلی مورد توجه و تعلیم گوینده است و از طرف دیگر، «یکدلی» به ویژه با «عارف» از مفاهیم غنایی در شاخه عرفانی است.

نحو ۱۲

«پارسازاده‌ای را نعمت‌بی کران به دست افتاد؛ فسق و فجور آغاز کرد.

④ بازگردانی: فرزند زاهدی، ثروت بی‌اندازه‌ای به ارث بود و شروع به کارهای خطأ و خلاف و معصیت کرد.

باری، به نصیحتش گفتم: ای فرزند، دخل، آب روان است و عیش، آسیاب گردان؛ یعنی خرج فراوان کردن، مسلم کسی را باشد که دخل معین دارد.

⑤ بازگردانی: خلاصه [یک بار] به عنوان نصیحت به او گفته: پسر جان! درآمد، مثل آب جاری است و زندگی، مثل آسیابی که با این آب می‌چرخد. منظورم این است که ولخرجی برای کسی بی‌خطر است که درآمد مشخصی داشته باشد آنه برای تو که درآمدی نداری و تنها از پولی که به تو رسیده خرج می‌کنی.

چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن

⑥ بازگردانی: وقتی منبع درآمدی نداری، با احتیاط بیشتری خرج کن // همان‌طور که کشتیبان‌ها سرودی می‌خوانند [که می‌گوید]:

اگر باران به کوهستان نبارد به سالی دجله گردد خشک رودی

⑦ بازگردانی: اگر باران بر کوهها نبارد [و آب آن به رودخانه نریزد] // دجله [هم با آن پُرآبی] در مدت کوتاهی به رودخانه‌ای خشک تبدیل می‌شود. عقل و ادب، پیش گیر و لهو و لعب بگذار که چون نعمت سپری شود، سختی بری و پشیمانی خوری.

⑧ بازگردانی: به دنبال اندیشیدن و [اکسب] فضیلت‌ها برو و کار بیهوده و سرگرمی‌های بی‌فایده را رها کن، زیرا وقتی این آسایش و ثروت به پایان برسد، دچار مشقت می‌شوی و پشیمان خواهی شد.

پسر، این سخن در گوش نیاورد و بر قول من اعتراض کرد و گفت:

⑨ بازگردانی: فرزند [ازاهد] این نصیحت را پذیرفت و با سخنان من مخالفت کرد و گفت:

برو شادی کن ای یار دل‌افرزو غم فردا، نشاید خورد امروز

⑩ بازگردانی: ای دوست خوش‌شرب! برو خوش باش! // که اکنون نباید غصه‌ایnde را خورد!

دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند؛ روی از مصاحبت بگردانیدم و قول حکما کار بستم که گفته‌اند:

⑪ بازگردانی: دانستم که پند قبول نمی‌کند و سخنان مؤثر من در تفکر پندناپذیر او تأثیری ندارد. ارتباطم را با او قطع کردم و به [این] سخن خردمندان عمل کردم که می‌گویند:

گرچه دانی که نشوند، بگوی هرچه دانی ز نیک‌خواهی و پند

⑫ بازگردانی: هر چند مطمئن باشی که سخن را نمی‌پذیرند، آن‌چه را از نصیحت و مصلحت‌اندیشی می‌دانی، بگو!

زود باشد که خیره‌سر بینی به دو پای او فتاده اندر بند

⑬ بازگردانی: به زودی زمانی فرامی‌رسد که شخص خود را می‌بینی که [آکمالاً] گفتار شده، طوری که انگار [ه]ر دو پایش در زنجیر است.

دست بر دست می‌زند که دریغ نشیدم حـدیث دانـشمند

⑭ بازگردانی: [در حالی که] پشیمان شده و می‌گوید: افسوس // که سخن [آن] شخص دانا را نپذیرفت.



موضوع	شرح و توضیح
نوع لحن	متن، نثر آهنگین دارد و لحن آن، آمیخته‌ای از داستان و اندرز است.
قلمرو زبانی	وارگان کهنه: بی‌کران، مسلم، ملاحان کاربرد تاریخی دستور: این سخن در گوش نیاورد. کاربرد جملات: کوتاه، اما معطوف و پی‌درپی
قلمرو ادبی	نشر مسجع و آهنگین: روان، گردان تضاد: شادی، غم کنایه: اندر بند اوافتادن، دست بر دست زدن
قلمرو فکری	پیام حکایت: دعوت به دوراندیشی موضوع: «عینی» و آشکار، نه «ذهنی» نگرش نویسنده: خردگرا
نتیجه‌گیری و تعیین نوع	نوع ادبی اثر، تعلیمی است. فضای حکایت، هم در بخش نثر و هم در ادبیات، اهمیت آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی را دنبال می‌کند.

پرسش‌های چهارگزینه‌ای

۱۵۱- معنی اصطلاح «در خورد» در کدام گزینه همانند معنی آن در بیت زیر نیست؟

نیست در خورد تو، ای صاحب‌نظر»

در جهان شاهین بزی شاهین بمیر
در حق بی‌دلی که نه در خورد این دعاست
کاول حسن تو و آخر ایام من است
در کسب حرص نیمی، در خورد و خواب نیمی

جمله‌گفتن: این بنای مختصر

- (۱) سینه‌ای داری اگر در خورد تیر
- (۲) ضایع مکن دعای خود، ای پارسای وقت
- (۳) عشق روی تونه در خورد دل خام من است
- (۴) سرمایه یک نفس عمر آن هم به باد دادیم

۱۵۲- کدام گزینه با بیت «در حقیقت یار یکدل، گیمیاست / چون صدف، کمیاب و چون ڈُر، پُر بهاست» ارتباط مفهومی بیشتری دارد؟

چو دل به جای نباشد، چگونه خواب آید؟
که کشته بیند و بخشایشی نفرماید
که از مصاحب ناجنس هیچ نگشاید
به سال‌ها دگرت کی چو من به دست آید؟

جهان به خواب و شبی چشم من نیاسید

- (۱) غلام نرگس نامهربان یار خودم
- (۲) به آبروی محبت که بی‌غرض بشنو
- (۳) بترس از آه دل من که مبتلای توأم

۱۵۳- کدام گزینه با ایات زیر ارتباط معنایی ندارد؟

که می‌گویند ملاحان سرودی
به سالی دجله گردد خشک رودی»
که چو پر شد نتوان بستن جوی
مستی شب ندهد سود به خمیازه صح
کز آب دیده بر سر قبر تو دجله‌هاست
بگشای تیز دیده بین سارا

چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن

- (۱) اگر باران به کوهستان نبارد
- (۲) ای سلیم آب ز سرچشمه بینند
- (۳) عیش امروز علاج غم فردا نکند
- (۴) ای تشنۀ فرات، یکی دیده باز کن
فرداد را بین به دل و امروز

۱۵۴- کدام گزینه با «ضرورت آینده‌نگری» در تضاد است؟

دگر کی برآری تو دست از کفن؟
بسی سرگشتگی در پیش دارد
کنون به مجلس صحبت به بیت‌الاحزانم
فردا که شوم خاک چه سود اشک ندامت؟

کنونت که دست است خاری بگن

- (۲) کسی کاو عقل دوراندیش دارد
- (۳) گذشت آن که به صحبت نشاط رو می‌داد
- (۴) امروز که در دست توأم مرحمتی کن

۱۵۵- کدام گزینه با بیت زیر تناسب مفهومی کم‌تری دارد؟

عارفان را خانه‌الا خاک نیست»
تا پنداشی که احوال جهان‌داران خوش است
کی دهندهش نعمت وارستگی؟
روا بود که بگوییم که دل به هیچ بیستم
ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

گفت در پاسخ که ما را باک نیست

- (۱) «حافظاً» ترک جهان گفتن طریق خوش‌دلیست
- (۲) هرگزه دارد در جهان دلبستگی
- (۳) دلم تعلق اگر با دهان تنگ تو دارد
- (۴) غلام همت آنم که زیر چرخ کبود



۱۵۶- مفهوم کدام گزینه با بیت «گفت در پاسخ که ما را باک نیست / عارفان را خانه الٰ خاک نیست» متفاوت است؟

زان که دامان تعلق زین چمن برچیده است
بی تعلق دل دیوانه نگردد هرگز
هرگز مرا به شاخ گلی آشیانه نیست
نه بندهای که گریزد ز خواجه آزاد است

- (۱) سرو را دانی چرا آزاد می‌گویند خلق؟
- (۲) عشق تا هست گرفتاری خاطر بر جاست
- (۳) شادم ز بی تعلقی خود که در چمن
- (۴) چه سود ترک جهان گر تعلقش بر جاست؟

عارفان را خانه الٰ خاک نیست
گردبادم، نیست در خاک تعلق ریشه ام
می‌توان چون مو برآورده از خمیر عالم
سرفرازی بر درختان توانگر می‌کند
دیو پندارد سلیمانی به خاتم می‌شود

۱۵۷- کدام گزینه با بیت زیر نامتناسب است؟

- «گفت در پاسخ که ما را باک نیست
- (۱) زود می‌پیچم بساط خودنمایی را به هم
 - (۲) با جهان آب و گل دلبستگی نبود مرا
 - (۳) خاک پای سرو آزادم که با دست تهی
 - (۴) سینه‌ای چون صبح می‌خواهد قبولی داغ عشق

عارفان را خانه الٰ خاک نیست
برا به چرخ از این تیره خاکدان زنها ر
خوش آن کاو از دلش خاری برآورده
در قید تعلق کش ارواح مجذد را
به دنیادوستی مشغول تاکی؟

۱۵۸- مفهوم کدام گزینه از بیت زیر دورتر است؟

- «گفت در پاسخ که ما را باک نیست
- (۱) مبنده دل به تماشای این جهان زنها ر
 - (۲) تعلق‌های به دل خاری است یکیک
 - (۳) ای پیکر روحانی از زلف بنه دامی
 - (۴) تو را این پس روی غول تاکی؟

ریسمان طمیع دراز مبنده
ایمان به باد داده در خورد و خواب مانده؟
کف غنی هر چند گردد، دل گداتر می‌شود
وز او جز یکی نان برای تو نیست

۱۵۹- مضمون کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) دل به زنجیر حرص و آز مبنده
- (۲) تا چند باشی آخر از حرص نفس کافر
- (۳) حرص می‌بالد به خود چون سیم و زر گردد فروزن
- (۴) حریصی مکن کاین سرای تو نیست

۱۶۰- کدام گزینه با بیت «گفت در پاسخ که ما را باک نیست / عارفان را خانه الٰ خاک نیست» ارتباط معنایی کمتری دارد؟
امتحان کن چند روزی در صیام (صیام: روزه‌داشتن)
یک شبی بیدار شو دولت بگیر
سوی خوان آسمانی کن شتاب
عاقبت ما را بدان سر رهبر است

۱۶۱- کدام گزینه با بیت زیر هم مفهوم است؟

- «بیش از این گر یار یکدل داشتم
- (۱) زر از بهر خوردن بود ای پسر
 - (۲) لطف حق باتو مدارها کند
 - (۳) همنشین اهل معنی باش تا
 - (۴) چواز آشتی شادی آید به چنگ

بام خود تاعرض می‌افراشم
برای نهادن چه سنگ و چه زر
چون که از حد بگذرد رسوا کند
هم عطا یابی و هم باشی فتی
خردمند هرگز نکوشد به چنگ

۱۶۲- کدام گزینه با بیت «بیش از این گر یار یکدل داشتم / بام خود تاعرض می‌افراشم» تناسب دارد؟

هر آنچ از تو آید به چشمش نکوست
زان که مقبل در دو عالم همنشین مقبل است
کار بی مشورت نکو ناید
هر دو اندر بی وفا یابی یکدل اند

- (۱) ز دشمن شنو سیرت خود که دوست
- (۲) هر که را خواهی شناسی همنشینش را نگر
- (۳) در همه کار مشورت باید
- (۴) این جهان و اهل او بی حاصل اند

۱۶۳- مفهوم کدام گزینه به مفهوم بیت زیر نزدیک است؟

- «در حقیقت یار یکدل، کیمیاست
- (۱) نداند به جز ذات پروردگار
 - (۲) تکلف گر نباشد خوش توان زیست
 - (۳) روکسی جو که تو را او هست دوست
 - (۴) مهریانی کن که مرد مهریان

چون صد، کمیاب و چون دُر، پُر بهاست
که فردا چه بازی کند روزگار
تعلق گر نباشد خوش توان مُرد
دوست بهر دوست لاشک خیرجوسه
دارد از اصل جوانمردی نشان



۱۶۴- کدام گزینه با بیت «در حقیقت یار یکدل، کیمیاست / چون صدف، کمیاب و چون دُر، پُر بیهast» هم خوانی ندارد؟

که مه و به شوی ز صحبت مه
به مرده نپردازد از حرص خویش
نام نیکو از او بسی یابی
تازشید در حضور اولیا

- (۱) صحبت نیک را ز دست مده
- (۲) غم خویش در زندگی خور که خویش
- (۳) با همان لحظه‌ای چو بشتابی
- (۴) هر که خواهد همنشینی خدا

۱۶۵- کدام گزینه با بیت‌های زیر ارتباط معنایی بیشتری دارد؟

که می‌گویند ملاحان سروید
به سالی دجله گردد خشک‌رودی»
روز و شب در دیده شب‌زنده‌دار من یکی است
از که باشد جز ز جان پرهوس؟
که هر که تخم نکوکشت دخل بدندرو
رزقش همیشه می‌رسد از خوان آفتاب

- چو دخلت نیست، خرج آهسته‌تر کن
اگر باران به کوهستان نبارد
(۱) روی کار دیگران و پشت کار من یکی است
(۲) جزء و مذ و دخل و خرج این نفس
(۳) چو بند جسم نگشته‌ی گشادی جان دیدی
(۴) آن را که دخل و خرج برای بود چو ماه

۱۶۶- کدام گزینه با عبارت «عقل و ادب، پیش گیر و لهو و لعب بگذار». تناسب دارد؟

در روز تیرباران باید که سر نخارد
معاشران زمی و عارفان ز ساقی مست
از بهر چه دادند تو را عقل، چه گویی؟
زمشغولی به مه پرورین ندیدم

- (۱) مشغول عشق جانان گر عاشقی است صادق
- (۲) نگاه من به تو و دیگران به خود مشغول
- (۳) مشغول به شطرنج و به نرد و شش و پنجی
- (۴) ندیدم چون تو کس یا کس چو تو نیست

۱۶۷- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

دانه‌ئ تو چه چیز است جز می و جام؟
وز تو بخشایش تو می خواهم
نایدث چیز جز همه وارونی
از عالم الهی بـ دین ملاهی

- (۱) در دام به دانه مباش مشغول
- (۲) به تو مشغول و با تو همراه
- (۳) مشغول تن مباش کز او حاصل
- (۴) مشغول مشو همچو این ستوران

۱۶۸- کدام گزینه با بیت «برو شادی کن ای یار دل افروز / غم فردا، نشاید خورد امروز» تناسب مفهومی ندارد؟

بیهوده نهای، غمان بیهوده مخور
کس چه داند که سرانجام چه خواهد بودن؟
خوش بیاسای زمانی که زمان این همه نیست
سختتر از روزگار هجر و ناخوشتر ندید

- (۱) ای دل غم این جهان فرسوده مخور
- (۲) وقت خود خوش گزران با می و معشوق «حزین»
- (۳) پنج روزی که در این مرحله فرصت داری
- (۴) گرچه وحشی ناخوشی‌ها دید و سختی‌ها ولی

۱۶۹- مفهوم کدام گزینه با بیت «برو شادی کن ای یار دل افروز / غم فردا، نشاید خورد امروز» ارتباط معنایی کمتری دارد؟

شادی من همین غم تو بس است
حالیا فکر سبوکن که پر از باده کنی
بر آن سر است که از خاک ما بسازد خشت
بیار باده که بنیاد عمر بر باد است

- (۱) با غم شادی جهان هوس است
- (۲) آخرالامر گل کوزه‌گران خواهی شد
- (۳) به می عمارت دل کن که این جهان خراب
- (۴) بیا که قصر امل سخت سست بینیاد است

۱۷۰- کدام گزینه با بیت «برو شادی کن ای یار دل افروز / غم فردا، نشاید خورد امروز» تناسب مفهومی دارد؟

ور عشق نباشد به چه کار آید دل؟
آن را که وفا نیست، ز عالم کم باد
غم خوار خویش باش غم روزگار چیست?
جز بردن بار غم او کار ندارم

- (۱) گرهر نورزد چه کند جان در تن؟
- (۲) اندر دل بـ و فاغم و ماتم بـ داد
- (۳) پیوند عمر بـ سـ به مـ مـ سـ هـ شـ دـ اـ رـ
- (۴) من طاقت دوری ز رخ یار ندارم

۱۷۱- کدام گزینه به مضمونی متفاوت اشاره دارد؟

فراموشش مکن در تنگ دستی
رغم آن را که غم نسیه فرداش گرفت (قدح: پیاله)
شب آدینه اطفال باشد جمله ایامش
غم فردا نشاید خورد امروز

- (۱) به هر که روز نعمت عهد بـستی
- (۲) ساقی امروز به نقدم قـدـحـی چـندـ بـدهـ
- (۳) نباشد هر که را امروز در خاطر غم فردا
- (۴) بـ روـ شـادـیـ کـنـ اـیـ یـارـ دـلـ اـفـرـوزـ



۱۷۲- کدام بیت از مفهوم متفاوتی سخن می‌گوید؟

- ۱) حافظا چون غم و شادی جهان در گذر است
- ۲) ای توانگر در غم بیچارگان بودن خوش است
- ۳) شادی زی با سیاه‌چشم، شاد
- ۴) جهان از پی شادی و دل خوشی است

۱۷۳- پیام اصلی کدام گزینه از سایرین دورتر است؟

- ۱) ز اندیشه دنیا مگو، می در قبح ریز از سبو
- ۲) آفرینش همه تنیه خداوند دل است
- ۳) برو شادی کن ای یار دل افروز
- ۴) چو چرخ گردان می‌گرد و از جهان بگذر

۱۷۴- مفهوم همه ابیات، به استثنای بیت با عبارت «دیدم که نصیحت نمی‌پذیرد و دم‌گرم من در آهن سرد او اثر نمی‌کند». تناسب دارد.

آن جام جم ده تا در او اوضاع دنیا بنگرم
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
غم فردا نشاید خورد امروز
ولیک عمر گرامی به ختمی گذران

پند عاقل نکند سود چو دل قابل نیست
خشتش بر دریا زدن بی‌حاصل است
به هر زه باد هوا می‌دمد بر آهن سرد
چو هاتف روی در خلوت کشیدم

هر چه دانی ز نیک‌خواهی و پند
به دو پای او فتاده اندر بند
نـشـنـیدـم حـدـیـث دـانـشـمـنـدـ»
از در عیش درآ و به ره عیب مپـوـی
یک عمر گوشمال نصیحت کشیده‌ایم
چهـهـاـتاـپـیـشـتـآـیـدـزـینـ نـصـیـحـتـ نـاـشـنـیـدـنـهاـ
کـهـ چـونـ مـالـیـ بـیـلـایـ زـودـ خـورـ زـودـ

به دو پای او فتاده اندر بند
نـشـنـیدـم حـدـیـث دـانـشـمـنـدـ»
جوانان سعادتمند پند پیر دانارا
 بشنو که پند پیران هیچت زیان ندارد
هان ای پسر که پیر شوی پندگوش کن
عهدش همگی محکم و قولش همگی راست

به دو پای او فتاده اندر بند
نـشـنـیدـم حـدـیـث دـانـشـمـنـدـ»
کـهـ درـ هـرـ گـرـدـشـ جـشـمـیـ بهـ گـرـدـابـ فـناـ اـفـتـمـ
اعتـبارـ سـخـنـ عـامـ چـهـ خـواـهـدـ بـوـدـ؟ـ
گـرـمـیـ شـنـیدـیـ پـنـدـ اـدـیـبـانـ
ماـ دـسـتـ دـادـهـاـیـمـ بـهـ هـرـ حـالـ بـنـدـ رـاـ

۱۷۵- مفهوم کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) چه نصیحت کنی ای غافل نادان؟ که مرا
- ۲) نیکخواهانم نصیحت می‌کنند
- ۳) هر آن کسم که نصیحت همی‌کند به صبوری
- ۴) نصیحت‌های هائف چون شنیدم

۱۷۶- کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب است؟

«گـرـچـهـ دـانـیـ کـهـ نـشـنـونـدـ،ـ بـگـوـیـ
زـوـدـ باـشـدـ کـهـ خـيـرـهـ سـرـ بـيـنـیـ

- دـسـتـ بـرـ دـسـتـ مـیـزـنـدـ کـهـ درـیـغـ
- ۱) دـوـ نـصـیـحـتـ کـنـمـتـ بـشـنـوـ وـ صـدـ گـنجـ بـرـ
- ۲) آـسـانـ نـگـشـتـهـ اـسـتـ بـهـ آـهـنـگـ،ـ سـازـ مـاـ
- ۳) نـصـیـحـتـ هـایـ نـیـکـانـدـیـشـیـ اـتـ گـفتـیـمـ وـ نـشـنـیدـیـ
- ۴) نـصـیـحـتـ بـینـ کـهـ آـنـ هـنـدوـ چـهـ فـرـمـودـ

۱۷۷- کدام گزینه با بیت‌های زیر تناسب کم‌تر دارد؟

- «زـوـدـ باـشـدـ کـهـ خـيـرـهـ سـرـ بـيـنـیـ
- دـسـتـ بـرـ دـسـتـ مـیـزـنـدـ کـهـ درـیـغـ
- ۱) نـصـیـحـتـ گـوشـ کـنـ جـانـاـ کـهـ اـزـ جـانـ دـوـسـتـ تـرـ دـارـنـدـ
- ۲) چـنـگـ خـمـیدـهـ قـامـتـ مـیـ خـوـانـدـ بـهـ عـشـرـتـ
- ۳) پـیـرـانـ سـخـنـ زـ تـجـربـهـ گـوـینـدـ گـفـتـمـتـ
- ۴) گـفـتـشـ هـمـگـیـ حـكـمـتـ وـ لـفـظـشـ هـمـگـیـ پـنـدـ

۱۷۸- کدام گزینه با بیت‌های زیر ارتباط مفهومی بیشتری دارد؟

- «زـوـدـ باـشـدـ کـهـ خـيـرـهـ سـرـ بـيـنـیـ
- دـسـتـ بـرـ دـسـتـ مـیـزـنـدـ کـهـ درـیـغـ
- ۱) درـ اـیـنـ درـیـایـ بـرـآـشـوبـ پـنـدارـیـ حـبـایـمـ مـنـ
- ۲) بـادـهـ خـورـ غـمـ مـخـورـ وـ پـنـدـ مـقـلـدـ مـنـبـیـوـشـ
- ۳) حـافـظـ نـگـشـتـیـ شـیدـایـ گـیـتـیـ
- ۴) گـرـ پـنـدـ مـیـ دـهـنـدـ وـ گـرـ بـنـدـ مـیـ نـهـنـدـ